



سه‌م ساختار در محدوده محتوایی زبان آموزی کودکان منطقه‌های دوزبانه

مونا بافته

محدود هستند. از این رو در یادگیری و یاددهی زبان توجه به این عنصر از اصلی‌ترین نکته‌هاست.

فرایند تهیه و تدوین محتوا برای زبان‌آموزان باید بر مبنای چند عنصر زبانی استوار باشد:

۱. واژه‌های جدید، ۲. کارکرد زبانی، ۳. ساختار زبانی و... فقدان هر یک از عنصرهای ذکر شده محتوای تهیه شده را غیراستاندارد می‌سازد؛ زیرا تا واژه‌های جدید به کمک قواعد دستوری و ساختاری مناسب با کاربردی به‌جا و صحیح در یک محتوا گنجانده نشود، آن محتوا برای آموزش زبان مناسب نخواهد بود. در واقع، هدف اصلی در آموزش و هر علم و حوزه‌ای، آموزش مواردی است که مخاطب از آن آگاهی ندارد. بنابراین، موارد مجهول باید گام‌به‌گام بر اساس قواعدی خاص آموزش داده شوند و مرحله‌به‌مرحله دانش مخاطبان افزایش یابد. به دیگر سخن، در ابتدا باید اطلاعات کلیدی، که اساس و زیربنای نکات دیگر هستند، آموزش داده شود و در مرحله بعد نکات وابسته به آن‌ها ارائه شوند و همین‌طور تا انتهای دوره آموزشی که مجموعه اطلاعاتی مرتبط، به‌هم پیوسته، منسجم و علمی ارائه می‌شود.

حال افرادی که به تهیه و تدوین محتوا می‌پردازند، باید با ساختار و قواعد دستوری زبان خود آشنا باشند و در ضمن، توانایی به‌کارگیری آن‌ها را به‌صورت کارآمد و مفید داشته باشند. به‌عبارت دیگر، بدانند که چگونه محتوایی تهیه کنند تا ساختار مورد نظر را به درستی، به وضوح و به نحو شایسته به مخاطب معرفی کند و همچنین ساختارها را به چه ترتیبی ارائه دهند. برای واضح‌تر شدن مطلب چند نمونه ساختار مهم زبانی را معرفی می‌کنیم. **زمان** از جمله ساختارهایی است که در هر زبان در اولویت قرار دارد؛ دانستن آن برای زبان‌آموز ضروری است و بخشی عمده از دستوری بودن جملات بر عهده‌ی آن است. زمان‌ها به‌طور کلی به سه دسته گذشته، حال و آینده تقسیم می‌شود و هر یک از آن‌ها نیز شامل تقسیم‌بندی‌هایی خردتر است. هر

یک از این زمان‌ها قواعد دستوری و کاربردی خاص خود را دارد و ناآگاهی از آن‌ها به بروز اشتباه‌های

کلیدواژه‌ها: زبان آموزی، مناطق دوزبانه، زبان‌شناسی، ساختار زبان، دستور زبان

زبان مجموعه‌ای نظام‌مند و متشکل از بخش‌های به‌هم پیوسته است. هر یک از این بخش‌ها نیز سیستمی دقیق و در هم تنیده دارد که از ترکیبشان با یکدیگر **نظام زبانی** شکل می‌گیرد. برای یادگیری یک زبان، شناخت آن بخش‌ها و سیستم درونی و همچنین چگونگی پیوندشان با بخش‌های دیگر ضروری و لازم است. **ساختار زبان** یکی از این بخش‌هاست که دانستن (شناخت) و تعمق در آن بسیار مهم است. تعریف‌های متفاوتی برای ساختار بیان شده است. ساغروانیان در فرهنگ اصطلاحات زبان‌شناسی (۱۳۰۵، ۶۹) ساختار را این‌گونه تعریف کرده است: «به مجموعه کلماتی که مطابق با قواعد ناظر بر زبان در قالب خاصی ریخته شوند و مفهومی معین و مشخص را به‌شونده منتقل کنند، ساخت گفته می‌شود.» به بیان ساده‌تر، تعریف وی می‌گوید که ساختار هر زبان به مجموعه‌ای محدود از قواعد و قوانین مخصوص در آن زبان اطلاق می‌شود که برقراری میان کلمات و شکل‌گیری جمله، عبارت، بند و انتقال پیام به مخاطب پیوند و ارتباطی معنا دار برقرار می‌کند. در جایی دیگر، وی تعریفی مشابه ارائه می‌کند؛ با این تفاوت که دیگر از ساخت سخن نمی‌گوید و در عوض آن را **دستور زبان** می‌نامد. «به مجموعه‌ای محدود از قواعد که کلمات بر طبق این قواعد کنار هم قرار می‌گیرند و جمله‌های زبان را تولید می‌کنند، دستور زبان می‌گویند.» (ساغروانیان، ۱۳۰۶: ۱۸۸). در این تعریف، بر این مجموعه محدود قواعد که جملات را به کمک کلمات تشکیل می‌دهند، نام دستور زبان نهاده شده است. از دو تعریف ذکر شده استنباط می‌شود که در زبان‌شناسی دو اصطلاح ساختار زبان (ساخت زبان) و دستور زبان هر دو یک معنا دارند و بر یک حوزه اطلاق می‌شوند. حال این ساختار یا دستور زبان یکی از عناصر و بخش‌های اصلی در شکل‌دهی زبان است. به دیگر سخن، آنچه تا حدود زیادی سبب ساخته شدن جملات و شکل‌گیری پیام می‌شود، این قواعد و قوانین



۲۰
رشد آموزش پیش‌دبستانی
دوره چهارم، شماره ۴
تابستان ۱۳۹۲

خواهد رفت. که. صفت. ای کش. هم. باش. نقطه ولی. شاید. اما. برای. تا. باید بروم. از. آینده. این. می شود. جمله. رفتن. می بخشند. ما. از. آینده. این. می شود. جمله. را. کلمه. اگر. خواهد رفت. که. صفت. برای. تا. باید بروم. از. آینده. این. می شود. جمله. رفتن. می بخشند.



کند. برای نمونه، ذکر و آموزش این نکته که در کاربرد معیت و همراهی فعل می تواند هم به صورت مفرد باشد هم جمع، از نکات مهم است (من با سارا به مدرسه رفتم/ رفتیم). همچنین به مواردی چون وجهها، انواع جملات شرطی (در حد نیاز کودکان)، صفات، قیدها و... در طول دوره آموزشی باید توجه شود.

از آنجا که مخاطبان این مقاله تهیه کنندگان محتوا برای کودکان مناطق دوزبانه هستند و در بیشتر موارد فارسی زبان مادری این تهیه کنندگان نیست، لازم است این افراد به صورت کاملاً علمی و دقیق به مطالعه دستور زبان فارسی بپردازند تا متون خود را با پشتوانه‌های علمی و درست تدوین کنند نه براساس دانش شخصی است. در مرحله بعد، این افراد باید بدانند که چگونه این موارد دستوری را در متن بگنجانند. در بررسی فعالیت‌هایی که در کمیته زبان آموزی انجام می‌شود، بارها دیده شده است که نگارندگان یکی از قواعد دستوری را در جدول شناسنامه فعالیت ذکر کرده‌اند، اما در طول فعالیت نشانی از آن ساخت نیست یا به دو یا سه بار ذکر آن ساخت در طول درس اکتفا می‌شود بدون آنکه تمرکزی روی آن باشد یا آن ساختار برای دانش آموز پررنگ شود. در نهایت، بی‌آنکه در طول فعالیت تکمیلی به آن اشاره شود تا از میزان یادگیری دانش آموزان آگاه شویم، درس را پایان می‌بخشند.

در صورتی که در یک محتوای زبان آموزی استاندارد لازم است نگارنده بعد از کسب اطلاعات دقیق از ساختار مورد نظر و تسلط کامل بر آن به تهیه یک متن مناسب برای ارائه آن می‌پردازد و در طول متن بارها و بارها آن را تکرار می‌کند تا به صورت غیرمستقیم و ناآگاهانه آن ساختار در ذهن دانش آموز درونی و نهادینه شود. در انتها نیز در فعالیت تکمیلی از میزان یادگیری دانش آموز از طریق فعالیت‌های مناسب آگاهی می‌یابد. البته این به آن معنا نیست که بعد از اتمام درسی دیگر به آن ساختار اشاره‌ای نشود بلکه در درس‌های بعدی نیز باید از آن ساختار و ساختارهای دیگر پیشین استفاده کرد، اما محوریت با ساختار جدید باشد. برای مثال، اگر

قرار است در درسی حرف ربط «ولی» آموزش داده شود و در درس‌های پیشین حروف ربط با و اما یاد داده شده است، باید هر سه حرف ربط در طول متن به کار روند؛ با شرط محوریت حرف ولی. انتخاب ساختارها (قواعد دستوری) بهتر است براساس معیارهای مهم زیر صورت گیرد:

افرادی که به تهیه و تدوین محتوا می‌پردازند، باید با ساختار و قواعد دستوری زبان خود آشنا باشند و در ضمن، توانایی به‌کارگیری آن‌ها را به صورت کارآمد و مفید داشته باشند

زبانی فراوانی منجر می‌شود. فردی که به تدوین محتوای زبان آموزی می‌پردازد، باید به صورت کامل و علمی و با توجه به منابع موثق و معتبر و به دور از حدس و گمان و اکتفا به دانش شخصی خود از چگونگی کاربرد هر یک از این زبان‌ها اطلاع کسب کند و آن‌ها را به صورت اصولی و با توجه به قواعد حاکم بر تدوین محتوا در متن خود به کار برد. مثالی برای روشن تر شدن مطلب ذکر خواهیم کرد. افعالی چون: بروم، بگویند، بزنیم و... را که از ترکیب ب+ بن مضارع فعل + شناسه تشکیل شده‌اند، فعل حال التزامی می‌گویند. برای آموزش این زمان باید نگارنده شرایط کاربرد آن را بداند. فعل التزامی در چند مورد به کار می‌رود. ۱. بعد از «شاید»، «ممکن است» و... (شاید امروز او به خانه ما بیاید)؛ ۲. بعد از «باید» (او باید به مدرسه برود) و ۳. در جملات شرطی (اگر درس بخوانی، موفق خواهی شد) و موارد دیگر. اگر نگارنده‌ای این موارد را بداند، به راحتی می‌تواند آن‌ها را در قالب متنی مناسب بگذارد و با تکرار آن در طول متن و در نهایت در فعالیت‌های تکمیلی به آموزش غیرمستقیم آن بپردازد. همین‌طور است زمان‌های دیگر که هر کدام اصول خاص خود را دارد که نگارندگان باید به آن‌ها مسلط باشند و در حد نیاز مخاطبان خود و به وسیله روش‌های مناسب به عرضه آن‌ها بپردازند. باید دقت شود که اطلاعات عرضه شده در باب زمان‌ها باید به گونه‌ای باشد که در ذهن مخاطب درونی شود؛ زیرا بخش عمده اطلاعات زبانی از طریق افعال و زمان و وجه آن‌ها در جمله شکل می‌گیرد و بی‌توجهی به آن‌ها دانشی ناقص را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند که رفع آن مستلزم تلاشی بسیار است؛ به‌ویژه برای دانش آموزانی که در سنین پایین به یادگیری زبان می‌پردازند.

یکی دیگر از انواع قواعد دستوری بسیار مهم **حروف اضافه** و **حروف ربط** است. از آنجا که این دو دسته در ایجاد جملات دستوری و معنادار و همچنین برقراری تفهیم و تفاهم از اهمیت بالایی برخوردارند، دانستن آن‌ها و چگونگی کاربردشان ضروری است.

برای یادگیری یک زبان به‌طور کلی ساختار و قواعد آن زبان از مهم‌ترین عناصر هستند و در صورت بی‌توجهی به آن‌ها می‌توان ادعا کرد که فرایند زبان‌آموزی اصلاً انجام نشده است. برای مثال، یا یکی از حروف اضافه است که معانی فراوانی دارد؛ از قبیل: ۱. همراهی و معیت (من با سارا به مدرسه رفتم)؛ ۲. ابزار انجام دادن فعل (من با چاقو میوه را پوست کندم) و... نگارنده باید معانی، انواع کاربرد و نکات مربوط به هر یک از موارد بالا را بداند و آن‌ها را در طول دوره آموزشی و در متون مختلف ذکر

خواهد رفت. که. صفت. ای کش. هم. باش. نقطه ولی. شاید. اما. برای. تا. باید بروم. از. آینده. این. می شود. جمله. رفتن. می بخشند. ما. از. آینده. این. می شود. جمله. را. کلمه. اگر. خواهد رفت. که. صفت. برای. تا. باید بروم. از. آینده. این. می شود. جمله. رفتن. می بخشند.

● **سادگی:** بهتر است ساختارهای زبانی براساس سادگی اولویت بندی شوند؛ یعنی در ابتدا قواعد ساده تر معرفی شوند و بعد مرحله به مرحله از قواعد پیچیده تر استفاده گردد. البته باید توجه داشت که قواعد ساده زیر بنا و اساس قواعد پیچیده هستند. مثلاً جمله ساده جمله ای است که از ترکیب فاعل + مفعول + فعل ساخته می شود و جمله مرکب از ترکیب دو جمله ساده و یک حرف ربط (جمله ساده + حرف ربط + جمله ساده)؛ بنابراین زبان آموز باید به ترتیب جمله ساده، حروف ربط و جملات مرکب را بیاموزد.

● **بسامد (کاربرد):** در ابتدای مراحل آموزش، به جای ساختارهایی که کاربرد کمتری دارند، بهتر است ساختارهای مرکزی تر و پر کاربردتر آموزش داده شود. برای مثال، فعل ماضی ساده از جمله ساختارهای پر کاربرد در زبان فارسی است که بهتر است قبل از زمان های دیگر آموزش داده شود. همچنین جمله های ساده باید زودتر آموزش داده شود؛ چون این ساختار در تولید انواع جملات نقشی اساسی دارد و تا فرد آن را یاد نگیرد، نمی تواند جملات دیگر را تولید کند.

● **قابلیت یادگیری:** عناصر دستوری باید بر مبنای سطح علمی دانش آموزان انتخاب شود. اگر این عناصر از سطح زبان و شناخت کودکان فراتر باشد، فرا گرفته نمی شود و به اصطلاح می گوئیم فاقد معیار قابلیت یادگیری هستند. مثلاً برای کودکی، یادگیری حروف ربطی همچون به شرط اینکه، در غیر این صورت و... دشوار است؛ زیرا دانش وی از نظر زبانی و شناختی هنوز در حد پردازش چنین عباراتی نیست و در نهایت نمی تواند کاربرد و چگونگی استعمال آن را یاد بگیرد.

پی نوشت

۱. متأسفانه بارها دیده شده است که تهیه کنندگان محتوای زبان آموزی در مناطق دوزبانه، زمان هایی را که قرار است آموزش دهند با نام هایی به کار می برند که نه در دستور سنتی و نه در علم زبان شناسی مورد تأیید است؛ همانند به کاربردن حال استمراری به جای حال اخباری یا حال التزامی.

برای یادگیری یک زبان به طور کلی ساختار و قواعد آن زبان از مهم ترین عناصر هستند و در صورت بی توجهی به آنها می توان ادعا کرد که فرایند زبان آموزی اصلاً انجام نشده است

منابع

۱. ساغروانیان، سید جلیل؛ فرهنگ اصطلاحات زبان شناسی موضوعی - توصیفی. مشهد، نشر نما، ۱۳۶۹.
۲. عصاره، فریده و مونا بافته؛ زبان آموزی در پیش دبستان. تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱.
۳. عصاره، فریده؛ شیوه نامه تدوین محتوای زبان آموزی در مناطق دوزبانه، تهران، انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱.

اشاره

با وجود اینکه مراکز پیش دبستانی توجه خود را به طور روزافزونی به مسائل آموزشی افزایش می دهند، بازی همچنان نقش حیاتی خود را در این دوره حفظ می کند.

دوره پیش دبستانی به جعبه شن و امثال آن محدود نیست، بلکه موضوعی فراتر از اینهاست. همان طور که دوره ابتدایی در حال پیشرفت، انسجام و دقیق تر شدن است، به همان اندازه دوره پیش دبستانی هم در حال پیشرفت، انسجام و دقیق تر شدن است.

کودکان انتظار دارند مهارت های پایه و اصلی را در پیش دبستان یاد بگیرند تا برای ورود به دوره ابتدایی آماده باشند.

با در نظر گرفتن زمان محدود در محیط پیش دبستان و فشار برای رسیدن به موفقیت های بعدی، باید دید که «بازی» در چه جایگاه و موقعیتی قرار دارد.

کلیدواژه ها: بازی، فضای بازی، رشد جسمی، رشد اجتماعی.

نویسنده: پام گلمن

ترجمه علی حسینعلی پور

کارشناس ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان

نگاهی دیگر به اهمیت بازی در دوره پیش دبستانی



بازی کار کودک است

